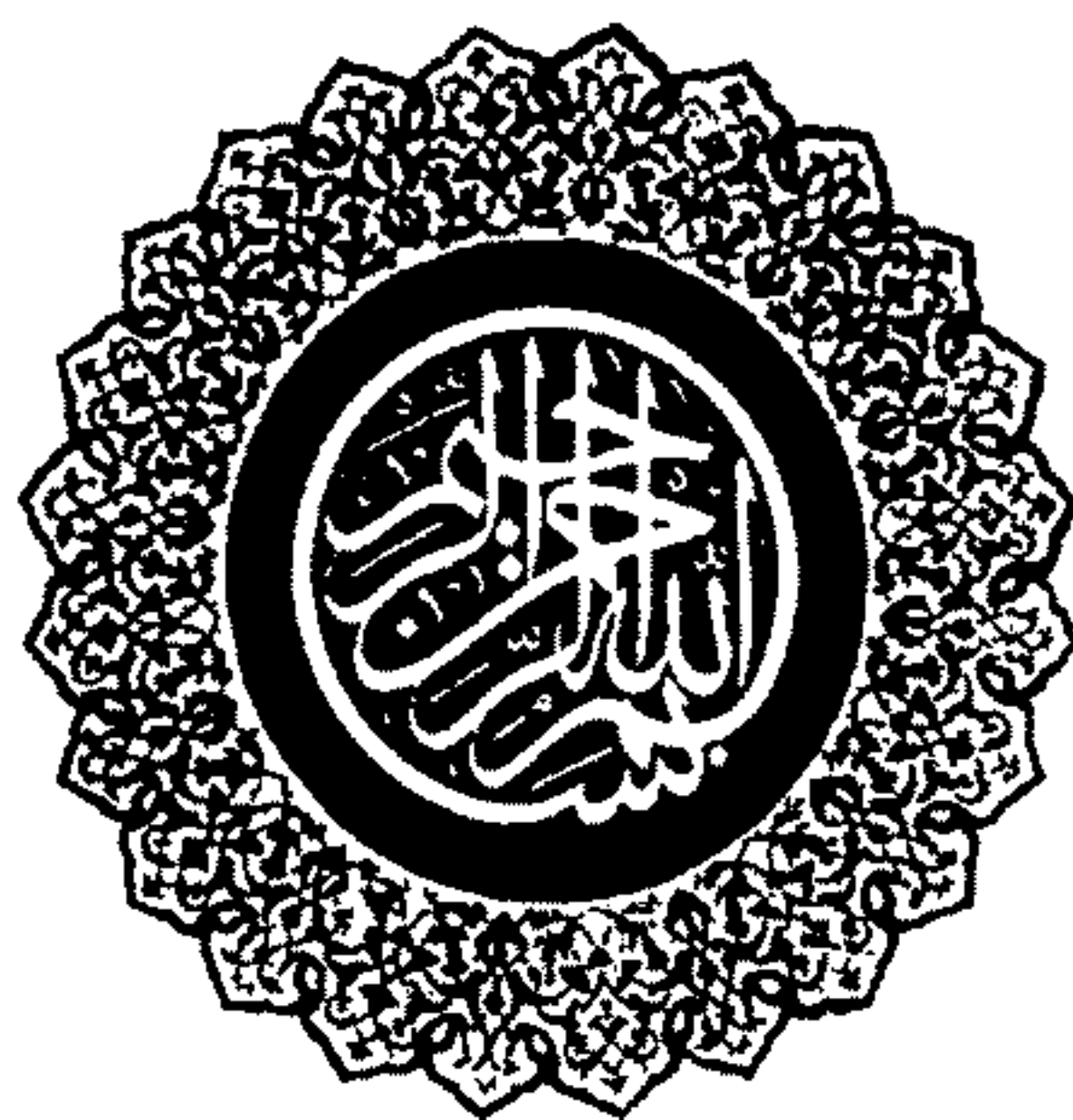


عاشورا

عاشورا و انتظار

(پیوندها، تحلیل‌ها، رهیافت‌ها)

پورسید آقایی



حاشورا

و

انتظار

(پیوندها، تحلیل‌ها، رهیافت‌ها)

مسعود پورسید آقایی

پور سید آقایی، مسعود، ۱۳۳۸ -
عاشورا و انتظار / مسعود پور سید آقایی، - قم: انتشارات حضور، ۱۳۸۲.
۷۲ ص.

ISBN: 964 - 6272 - 84 - 3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه بصورت زیر نویس.

عنوان روی جلد: عاشورا و انتظار (پیوندها، تحلیل‌ها، رهیافت‌ها)

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ هـ. ق. ۲. مهدویت - انتظار.

۳. عاشورا. ۴. حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ هـ. ق. الف. عنوان. ب.

عنوان: عاشورا و انتظار (پیوندها، تحلیل‌ها، رهیافت‌ها)

۲۹۷/۹۵۹

BP ۵۱ / پ ۹ ع ۲



مؤسسه انتشارات حضور

عاشورا و انتظار

(پیوندها، تحلیل‌ها، رهیافت‌ها)

مسعود پور سید آقایی

● چاپ چهارم: ۱۳۸۵ ● چاپخانه: پاسدار اسلام

● قطع رقعی: ۷۲ صفحه ● شمارگان: ۱۰,۰۰۰

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۳ - ۸۴ - ۶۲۷۲ - ۹۶۴ ISBN 964 - 6272 - 84 - 3

● مرکز پخش: قم / میدان شهدا / اول خیابان حجتیه / شماره ۷۵

تلفن ۷۷۴۴۶۵۱ / دورنویس ۷۷۴۳۷۵۶ (کد ۰۲۵۱)

فهرست مطالب

السلام عليك يا سفينة النجاة..... ۹

پیوندها

۱. مهدی علیه السلام، فرزند حسین علیه السلام..... ۱۵
۲. مهدی علیه السلام، خونخواه حسین علیه السلام..... ۱۵
۳. یاد حسین علیه السلام، کلام نخستین مهدی علیه السلام..... ۱۶
۴. «یا لثارات الحسین»، شعار یاران مهدی علیه السلام..... ۱۷
۵. یاری حسین علیه السلام، یاری مهدی علیه السلام..... ۱۷
۶. یکسانی القاب حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام..... ۱۸
۷. زیارت عاشورا..... ۱۹
۸. روز عاشورا و یاد مهدی علیه السلام..... ۱۹
۹. عاشورا روز ظهور مهدی علیه السلام..... ۲۰
۱۰. میلاد حسین علیه السلام و یاد مهدی علیه السلام..... ۲۰
۱۱. میلاد مهدی علیه السلام و یاد حسین علیه السلام..... ۲۱

۱۲.	شب قدر و یاد حسین علیه السلام	۲۲
۱۳.	حسین علیه السلام در کلام مهدی علیه السلام	۲۴
۱۴.	زیارت حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام در عیدها	۲۴
۱۵.	کوفه، پایگاه مشترک حسین علیه السلام ، مهدی علیه السلام	۲۴
۱۶.	فرشته‌های یاور حسین علیه السلام ، یاوران مهدی علیه السلام	۲۵
۱۷.	رجعت حسین علیه السلام در دولت مهدی علیه السلام	۲۵
۱۸.	حسین علیه السلام در سوگ مهدی علیه السلام	۲۶
۱۹.	مهدی علیه السلام و زنده نگه داشتن یاد عاشورا	۲۷
۲۰.	مهدی علیه السلام و سفارش به زیارت عاشورا	۲۹
۲۱.	مهدی علیه السلام در سوگ حسین علیه السلام	۲۹
۲۲.	مصیبت حسین علیه السلام و تعجیل در فرج	۳۲
۲۳.	سختی مصیبت	۳۲
۲۴.	اصلاح‌گری	۳۳
۲۵.	بیعت نکردن با طاغوت	۳۳
۲۶.	آرزوی شهادت در رکاب حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام	۳۴

تحلیل‌ها

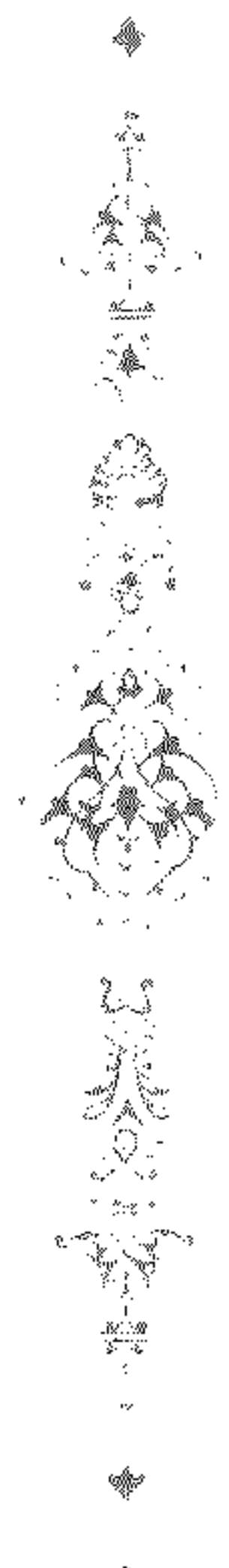
۱.	عاشورا، پشتوانه فرهنگی انتظار	۳۶
۲.	اشتراک در اهداف	۳۶
۳.	مشابهت در زمانه	۳۷
۴.	مشابهت در یاران	۳۹

۴۰	۵. ضرورت درگیری و نبرد
۴۲	۶. منتظران مهدی علیه السلام ، پرورش یافتگان مکتب عاشورا
۴۲	۷. سختی و مشکلات راه
۴۳	۸. ریزش و رویش
۴۴	۹. الهام پذیری هر دو فرهنگ
۴۵	۱۰. زوال دولت‌های باطل
۴۷	۱۱. تکیه بر سنت‌های الهی
۴۹	۱۲. نقش زنان
۵۱	۱۳. دشواری حفظ دین
۵۴	۱۴. سازش ناپذیری
۵۵	۱۵. تلاش جهت جذب و نیروسازی
۵۶	۱۶. انتظار
۵۷	۱۷. طلب یاری
۵۹	۱۸. تدبیر و مدیریت

رہیافت‌ها

۶۳	۱. تبیین فرهنگ عاشورا
۶۴	۲. تبیین دین
۶۵	۳. الگو سازی
۶۵	۴. فرهنگ بسیج
۶۶	۵. معرفت امام

۶. عزت ۶۸
۷. تنش زدایی ۶۸
۸. آمادگی ۶۹
۹. جذب نیرو و تبلیغ ۶۹
۱۰. اخلاق ۶۹
۱۱. عنایت ویژه به زنان ۷۰



السلام عليك يا سفينة النجاة

مهدی (عج)، ادامه حسین علیه السلام است و «انتظار» ادامه عاشورا و برآمده از آن.

مهدی (عج)، فرزند حسین علیه السلام است و فرهنگ «انتظار» برآمده از فرهنگ «عاشورا» و انتظار حسین دیگری را کشیدن. این دو پیوندی دیرین و مستحکم با یکدیگر دارند.

یکی پشتوانه فرهنگی و زمینه ساز، برای دیگری است؛

یکی رمز «حیات شیعه» است و دیگری رمز «بقای آن»؛

یکی رمز «قیام و به پا خاستن شیعه» است و دیگری عامل «حفظ و استمرار آن»؛

«مهدی علیه السلام وارث عاشورا است؛ هم‌چنان که «حسین علیه السلام وارث پیامبران است؛

عاشورا، دریچه‌ای به «انتظار» است و انتظار، تجلی آرزوها و آمال کربلا؛

فرهنگ عاشورا، دست‌مایهٔ اساسی و مایهٔ شکوفایی و بالندگی
منتظران مهدی (عج) در عصر انتظار است.

پیوند «عاشورا و انتظار» و «حسین و مهدی علیه السلام»، پیوند «والد» و
«ماولد» و «نور علی نور» است.

انتظار، کربلایی دیگر است به وسعت همهٔ جهان و مصاف حق و
باطل است در زمانی دیگر؛ با این تفاوت که این بار، حق پیروز
است و چهرهٔ باطل، برای همیشه دفن می‌شود. انتظار همان کربلا
است در وسعت همهٔ زمین و در مقطع دیگری از تاریخ. در این
مقطع، فکرهای رشید از هر فرقه و ملتی، گلبانگ «دعوت مهدوی»
را - که با ساخت و فطرت انسان‌ها همگون است - لبیک می‌گویند.
انتظار، ثمرهٔ کربلا است. بدون کربلا انتظار بی‌معنا است. یاران
مهدی، همه کربلایی‌اند و در فراز و فرود تاریخ، غربال شده و
آبدیده‌اند. مگر می‌توان بی‌عاشورا، انتظاری دیگر داشت؟ انتظار
بی‌عاشورا، انتظار بی‌پشتوانه است.

«عاشورا» انتظار برآورده نشده شیعه است و «انتظار» عاشورای
برآورده شده شیعه.

حرکتی جهانی و به وسعت آمال همهٔ انسان‌های تاریخ، پشتوانه
و عقبه‌ای می‌خواهد به استحکام کربلا که هرگز به سردی و
خاموشی نگراید.^۱

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ان لقتل الحسین حرارة فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابداً». مستدرک

«انتظار» ادامه عاشورا، غدیر و بعثت است و «ظهور»، روز فرج و مخرج حسین^۱ و ثمره خون او که در شریان تاریخ به جوش آمده است.

«انتظار» بشارتی است به حق، بر همه دردها و آلام شیعه در کربلا و تاریخ.

مهدی (عج)، همان کسی است که باری را که حسین علیه السلام در مسیر کوفه، در کربلا به زمین گذاشت، به کوفه می‌رساند. مهدی علیه السلام پرچم افتاده حسین علیه السلام را بر خواهد افراشت و آرمان‌های بلند او را تحقق خواهد بخشید.

مهدی علیه السلام، بذری را که حسین علیه السلام در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را بارور کردند و خودش در دوران غیبت به حراست آن همت گماشت، با دستان پرتوانش غرس خواهد کرد.

«انتظار و عاشورا» دو بال پرواز شیعه است؛ اگر این دو نبود، چشمه «غدیر» می‌خشکید.

این پیوندهای روشن و گویا، از نگاه نامحرمان نیز مخفی نمانده تا آن جا که می‌گویند:

۱۳ الواسئل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ب ۴۹، ابواب المزار، ح ۱۳.

پیامبر در جای دیگر می‌فرماید: «ان للحسین فی بواطن المومنین معرفة مكتومة» بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. امام صادق (ع) نیز فرموده است: «من اراد الله به الخير قذف فی قلبه حب الحسين و حب زیارته و من اراد الله به السوء قذف فی قلبه بغض الحسين و بغض زیارته» کامل الزیارات، ص ۱۴۳.

۱. «فاجعل لنا من امرنا فرجاً و مخرجاً یا ارحم الراحمین» دعای امام حسین علیه السلام.

شیعه با دو نگاه همراه است: «نگاه سرخ» و «نگاه سبز»؛
عاشورا و ظهور، با الهام از یکی «انقلاب» می‌کند و با دیگری
آن را «استمرار» می‌بخشد.^۱

برای ما دورماندگان از صحنه عاشورا، یک راه بیشتر نمانده و آن
ثبت نام در کلاس «انتظار» و درآمدن در خیل «منتظران» است که
حقیقت انتظار، همان در خیمه حسین علیه السلام بودن است. آنان که در
کربلا چکاچک شمشیرها را نچشیدند، باید مرارت «انتظار» را به
جان بخرند. «عاشورائیان»، پیمان خود را به آخر بردند و «مهدویان»
با کوله بار فرهنگ شهادت، چشم انتظارند تا آن عهدی که با خدا و
رسول بر پاسداری از حرم و حریم ثار الله بسته‌اند، به انجام
برسانند: ﴿فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر﴾^۲.

۱. ر.ک: مجله موعود، گفت‌وگو با دکتر بلخاری، شماره‌های ۲۶ و ۲۵.

۲. احزاب (۳۳)، آیه ۲۳.



پیوندها

پیوندها

پیوند دو فرهنگ «عاشورا» و «انتظار» از دلایل و شواهد متعددی برخوردار است. در این جا ضمن بیان آن‌ها، به تحلیل و رهیافت‌های برخاسته از آن‌ها نیز خواهیم پرداخت.

۱ مهدی علیه السلام، فرزند حسین علیه السلام

صدها روایت، در این باب وارد شده است که در آن‌ها تأکید شده، امام مهدی علیه السلام نهمین فرزند حضرت امام حسین علیه السلام است:

«قائم هذه الامة هو التاسع من ولدی»^۱

۲ مهدی علیه السلام، خونخواه حسین علیه السلام

در روایات متعددی، وارد شده است:

«القائم منا اذا قام طلب بثار الحسين»^۲،

۱. ر.ک: منتخب الاثر، ص ۱۴۰-۱۳۹ و ۲۵۴-۲۶۴.

۲. بحار الاتوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

«بهذا القائم انتقم منهم»^۱.

امام باقر علیه السلام در مورد آیه «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل»^۲ می فرماید:

«مقصود از «من قتل مظلوماً»، حسین بن علی است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم و قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون حسین علیه السلام بر می آید.... مقتول حسین علیه السلام و ولی او قائم علیه السلام است»^۳.

در روایتی دیگر ذیل آیه «و من عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغی علیه لینصرته الله»^۴ آمده است:

«... فلما قبض رسول الله صلی الله علیه و آله بغی علیه ابن هند بن عتبة ابن ربیعہ (یعنی: معاویة بن ابی سفیان) بخروجہ عن طاعة امیر المؤمنین علیه السلام و بقتل ابنه یزید، الحسین بغیاً و عدواناً. ثم قال تعالی: «لینصرته الله» یعنی: بالقائم المهدی من ولده»^۵.

۳ یاد حسین علیه السلام، کلام نخستین مهدی علیه السلام

آن گاه که مهدی موعود (عج) ظهور کند، بین رکن و مقام

۱. دلایل الامامة، طبری، ص ۲۳۹.

۲. اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.

۳. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱۹.

۴. حج (۲۲)، آیه ۶۰.

۵. ینابیع المودة، ص ۵۱۰، به نقل از المهدی علیه السلام فی القرآن، آیه الله سید صادق شیرازی، ص ۷۸.

می ایستد و چنین ندا می دهد:

«الا یا اهل العالم! انا الامام القائم؛

الا یا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛

الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً؛

الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین طرحوه عریاناً؛

الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین سحقوه عدواناً»^۱.

۴ «یا لثارات الحسین»، شعار یاران مهدی علیه السلام

فضل بن شاذان نقل می کند که شعار یاران مهدی «یا لثارات الحسین» (ای خونخواهان حسین) است:

«انّ شعار اصحاب المهدی (عج) یا لثارات الحسین علیه السلام»^۲.

۵ یاری حسین علیه السلام، یاری مهدی علیه السلام

حضرت سکینه علیها السلام نقل می کند: امام حسین علیه السلام شبی در کربلا، خطاب به یاران خود فرمود:

«... و قد قال جدی رسول الله صلی الله علیه و آله: ولدی حسین یقتل

بطف کربلا غریباً و حیداً عطشاناً فریداً. فمن نصره فقد

نصرنی و نصر ولده الحجة و من نصرنا بلسانه فهو فی

۱. الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، یزدی حائری پور، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲. النجم الثاقب، ص ۴۶۹ و نیز رک: مستدرک الوسائل، ج ۱، پ ۴۷، «به نقل از امام صادق علیه السلام».

حزبنا يوم القيامة»؛^۱

همانا جدم رسول خدا ﷺ فرمود: فرزند من حسین در زمین
کربلا، غریب و تنها، عطشان و بی کس، کشته می شود. کسی که
او را یاری کند، مرا و فرزندش مهدی را یاری کرده است و هر
کس به زبان خود، ما را یاری کند، فردای قیامت در حزب ما
خواهد بود.

۶ یکسانی القاب حسین ﷺ و مهدی ﷺ

القاب «ثار الله»، «الوتر الموتور» و «الطريد الشريد»، القاب
مشترک حسین ﷺ و مهدی (عج) است:

«ولكن صاحب هذا الامر الطريد الشريد الموتور
بایه...»^۲

«السلام عليك يا باب الله و السلام عليك يا ثار الله»^۳
«المترب الخائف و الولي الناصح ، سفينة النجاة... و
الوتر الموتور».^۴

-
۱. معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۰۸؛ رياض القدس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ وقایع الايام خیابانی، ص ۲۸۴؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۸ (به نقل از سحاب رحمت، ص ۳۴۳).
 ۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.
 ۳. مصباح الزائر، سید بن طاووس، به نقل از ربيع الانام فی ادعية خير الانام، ص ۳۶۷.
 ۴. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (عج).

۷ زیارت عاشورا

زیارت عاشورا - که زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام است - در دو قسمت، از خون خواهی حسین علیه السلام در رکاب امام مهدی (عج) خبر می‌دهد:

«ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله».

«ان یرزقنی طلب ثاری [کم] مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم».

۸ روز عاشورا و یاد مهدی علیه السلام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: یکدیگر را در روز عاشورا این گونه تعزیت دهید:

«اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین و جعلنا و ایاکم من الطالبین بشاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد صلی الله علیه و آله»؛^۱

خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولی اش، امام مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله، طلب خون آن حضرت کرده، به خون خواهی او برخیزیم.

۱. مصباح المتهجد؛ مفاتیح الجنان.

۹ عاشورا روز ظهور مهدی علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«کأني بالقائم يوم عاشورا يوم السبت قائماً بين الركن و

المقام و بين يديه جبرئيل ينادي...»^۱؛

گویا قائم را می بینم که روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام

ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می کند....

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«ان القائم صلوات الله عليه ينادي باسمه ليلة ثلاث و

عشرين و يقوم يوم عاشوراء يوم قتل فيه الحسين بن علي»^۲؛

قائم - درود خدا بر او باد - در شب بیست و سوم ماه رمضان به

نامش ندا می شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی در

آن کشته شد، قیام خواهد کرد.

۱۰ میلاد حسین علیه السلام و یاد مهدی علیه السلام

در توقیع مبارک امام عسکری علیه السلام برای قاسم بن علاء همدانی

آمده است که: در روز تولد امام حسین علیه السلام، این دعا را بخوان:

«اللهم انی اسئلك بحق المولود فی هذا الیوم الموعود

بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها و

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۷۴.

۲. همان.

الارض و من عليها... المعوض من قتله ان الائمة من نسله
و الشفاء في تربته و الفوز معه في اوبته و الاوصياء من
عترته بعد قائمهم و غيبته»^۱

خداوند! من تو را به مقام مولود این روز می خوانم. او پیش از
آن که به دنیا چشم بگشاید و قبل از آن که تولد یابد، وعده و
خبر شهادتش داده شد. آسمان و هرکس در آن بود و زمین و
هرکس بر روی آن بود، بر او گریه کرد... او که در عوض
شهادت او، ائمه از نسل او شدند و شفا در تربت او قرار داده
شد، فوز و رستگاری با او، در روز رجوع و بازگشت او و
بازگشت اوصیاء از خاندان او، بعد از قائم آنان و سپری شدن
غیبت او می باشد.

۱۱ میلاد مهدی علیه السلام و یاد حسین علیه السلام

شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان می نویسد:

«با فضیلت ترین اعمال شب نیمه شعبان - که باعث آمرزش
گناهان است - زیارت امام حسین علیه السلام می باشد. هر که
می خواهد، روح ۱۲۴ هزار پیامبر با او مصافحه کند، امام
حسین علیه السلام را زیارت کند. اقل زیارت آن حضرت آن است که
به بالای بامی رود و به سمت راست و چپ نگاه کند؛ سپس

۱. حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۱۵.

سر به جانب آسمان بلند کند و حضرت را با این کلمات زیارت کند: «السلام علیک یا ابا عبد الله، السلام علیک و رحمة الله و بركاته».^۱

در قسمت «زیارات» نیز می نویسد:

«احادیث بسیاری در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان وارد شده است. و بس است در این باب آنچه که به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام وارد شده که: هر که بخواند با او ۱۲۴ هزار پیامبر، مصافحه کنند، زیارت کند قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام را در نیمه شعبان. به درستی که ملائکه و ارواح پیامبران، رخصت می طلبند و به زیارت آن حضرت می آیند. پس خوشا به حال آن که مصافحه کند با ایشان، و ایشان مصافحه کنند با او. پنج پیامبر اولوالعزم (نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام) و محمد صلی الله علیه و آله نیز با ایشانند.»

۱۲ شب قدر و یاد حسین علیه السلام

شب قدر، متعلق به امام زمان علیه السلام است و در این شب یکی از اعمال مستحبی، زیارت امام حسین علیه السلام است. شیخ عباس قمی می نویسد:

۱. مفاتیح الجنان، اعمال شب نیمه شعبان.

«بدان که احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در ماه مبارک رمضان - خصوصاً شب اول و نیمه و آخر آن و به خصوص شب قدر - بسیار است. از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که زیارت کند، امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم ماه رمضان - و آن شبی است که امید است شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر می شود - مصافحه کند با او روح ۱۲۴ هزار ملک و پیغمبر که همه رخصت می طلبند از خداوند در زیارت آن حضرت در این شب.

از حضرت صادق علیه السلام مروی است: چون شب قدر می شود، منادی از آسمان هفتم از بطن عرش ندا می کند که حق تعالی هر کسی را که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده، آمرزید.

و در روایت دیگر است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز بگذارد، نزد آن حضرت یا آن چه که میسر شود و از حق تعالی بهشت و پناه از آتش را بخواهد، خداوند به او بهشت و پناه از آتش را عطا فرماید. ابن قولویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان و در راه زیارت بمیرد، حسابی نخواهد داشت و به او بگویند که بدون خوف و بیم داخل بهشت شو.

۱۳ حسین علیه السلام در کلام مهدی علیه السلام

در دعای ندبه آمده است:

«این الطالب بدم المقتول بکربلا»

«أَيْنَ الْحَسَنِ، أَيْنَ الْحُسَيْنِ وَ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ».

در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه نیز چنین می خوانیم:

«فلئن اُخِرتَنی الدهور و عاقنی عن نصرک المقدور و لم

اکن لمن حاربک محارباً و لمن نصب لک العداوة

مناصباً فلأُندُبَنَّک صباحاً و مساءً و لأُبکینَّ لک بدل

الدموع دماً»؛^۱

اگر زمانه مرا به تاخیر انداخت و مقدورات از یاریت باز داشت

و نتوانستم در رکاب تو با دشمنانت بجنگم، ولی از بام تا شام در

یاد تو سرشک غم از دیده می بارم و به جای اشک خون می گیرم.

۱۴ زیارت حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام در عیدها

در عیدهای اسلامی فطر، قربان و غدیر؛ زیارت این دو امام،

وارد شده است.^۲

۱۵ کوفه، پایگاه مشترک حسین علیه السلام، مهدی علیه السلام

امام حسین علیه السلام از مکه به سمت کوفه رفت و حضرت مهدی علیه السلام

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. البته چنانچه دعای ندبه از جانب امام زمان (ع) باشد.

۲. ر.ک: مفاتیح الجنان، در اعمال هر یک از این روزها.

از مکه به سوی کوفه خواهد رفت و مقر حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد^۱؛ یعنی، راه نیمه سیدالشهدا^{علیه السلام} را به پایان خواهد رساند.

۱۶ فرشته‌های یاور حسین^{علیه السلام}، یاوران مهدی^{علیه السلام}

شیخ صدوق از امام رضا^{علیه السلام} نقل می‌کند:

«و لقد نزل الى الارض من الملائكة اربعة آلاف لنصرة
فوجدوه قد قتل فهم عند قبره شعث غبر الى ان يقوم القائم
فيكونون من انصاره و شعارهم يا لثارات الحسين»^۲
به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین^{علیه السلام} [به
زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند
حسین^{علیه السلام} [کشته شده است؛ از این رو، ژولیده و غبارآلود در
نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و هم‌چنان هستند تا این که
قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود
و شعارشان یا لثارات الحسين است.]

۱۷ رجعت حسین^{علیه السلام} در دولت مهدی^{علیه السلام}

امام محمد باقر^{علیه السلام} می‌فرمایند: امام حسین^{علیه السلام} شب عاشورا به
اصحابش چنین فرمود:

«... فابشروا بالجنة، فوالله انما نمكث ماشاء الله تعالى

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۰۹.

۲. امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

بعد ما یجری علینا، ثم یخرجنا الله و ایتاکم حین یظهر
قائماً فینتقم من الظالمین، و انا و انتم نشاهدکم فی
السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النکال...»^۱

بشارت باد شمارا به بهشت، به خدا قسم که بعد از آن چه بر ما
جاری شود، مکث خواهیم کرد آن قدر که خدای تعالی
خواسته باشد. پس بیرون می‌آورد ما و شمارا در آن هنگامی
که قائم ما ظاهر شود، پس انتقام خواهد کشید از ظالمان. و ما و
شما مشاهده خواهیم کرد ایشان را در سلاسل و اغلال و گرفتار
به انواع عذاب و نکال....

و امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، دوباره از «رجعت» خود سخن
گفته، می‌فرماید:

«من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و رجعت
می‌کنم.»^۲

۱۸ حسین علیه السلام در سوگ مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿ثم ردنا لكم الكرة عليهم﴾^۳
می‌فرماید:

«مقصود زنده شدن دوباره امام حسین علیه السلام و هفتاد تن از

۱. گزیده کفایة المہتدی، صص ۱۰۵ و ۱۰۶، ح ۱۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲؛ ایقاظ، ص ۳۵۲؛ فوز اکبر، ص ۳۶.

۳. اسراء، ۶.

اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالی که کلاه خودهایی
 طلایی بر سر دارند و به مردم رجعت و زنده شدن دوباره
 حضرت حسین علیه السلام را اطلاع می دهند تا مؤمنان به شک و
 شبهه نیفتند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«حسین علیه السلام با اصحابش می آیند و هفتاد پیامبر آنان را
 همراهی می کنند؛ چنان که همراه موسی علیه السلام هفتاد نفر فرستاده
 شدند. آن گاه حضرت قائم علیه السلام انگشتر را به وی می سپارد و
 امام حسین علیه السلام غسل و کفن، حنوط و دفن حضرت قائم را بر
 عهده می گیرد.»^۱

۱۹ مهدی علیه السلام و زنده نگه داشتن یاد عاشورا

در این باب، داستان های متعددی است که از میان آنها،
 داستان علامه بحر العلوم^۲، گواه خوبی بر عشق و علاقه وافر حضرت
 حجت علیه السلام به عزاداری و زنده نگه داشتن یاد عاشورا و شهدای کربلا
 است:

«روز عاشورایی بود و موج سوگواران از هر سو، به سوی کربلا
 در حرکت بودند، علامه بحر العلوم رحمته الله نیز به همراه گروهی از

۱. ایقاظ، ص ۳۶۸.

۲. ر.ک: صالحان صالح، ص ۱۸۷، خلاصه العبقری الحسان، صص ۳۴، ۱۱۰، ۱۸۷، ۲۱۹، ۲۴۲.

طلاب، به استقبال عزاداران حرکت کردند سببه محله «طویرج» رسیدند، که دسته سینه زنی و سَبک سوگواریشان مشهور بود، هنگامی که علامه و همراهانش به آنان رسیدند، ناگهان با آن کهولت سن و موقعیت اجتماعی و علمی، لباس خویش را به کناری نهاده، و سینه خویش را گشود و در صف سینه زنان، با شوری وصف‌ناپذیر به سینه زدن پرداخت، علما و طلاب هر چه تلاش کردند تا مانع کار او شوند که مبدا صدمه‌ای بر او وارد شود، موفق نشدند، پس از پایان سوگواری، یکی از خواص از او پرسید: چه رویدادی پیش آمد که شما چنان دچار احساسات پاک و خالصانه شدید که آن گونه سر از پا نشناخته، لباس از تن در آوردید و به سینه زنان پیوستید؟

علامه فرمود: حقیقت آن است که با رسیدن به دسته سوگواران، به ناگاه چشمم به محبوب دل‌ها، امام عصر (عج) افتاد و دیدم آن گرمی، با سر و پای برهنه در میان انبوه سینه زنان، در سوگ پدر و الایش حسین علیه السلام با چشمانی اشک بار به سر و سینه می‌زند؛ به همین جهت آن منظره مرا به حالی انداخت که قرارم از کف رفت و در برابر کعبه مقصود و قبله موعود به سوگواری پرداختم.^۱

۱. ملاقات با طاووس بهشت حضرت مهدی (عج)، ص ۲۳۵ به نقل از دیدار یار، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲۰ مهدی علیه السلام و سفارش به زیارت عاشورا

محدث نوری (ره) حکایت سید رشتی را چنین نقل می‌کند که حضرت به سید دستور خواندن نافله (خصوصاً نافله شب)، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می‌دهد و بعد از آن می‌فرماید:

«شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله، نافله، نافله!»

شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا!

شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه!»^۱

۲۱ مهدی علیه السلام در سوگ حسین علیه السلام

علامه امینی (ره) در الغدير می‌گوید: در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مجلسی قصیده ابن عرندس خوانده شود، موجب تشریف فرمایی حضرت بقية الله - روحی له الفداء - به آن مجلس می‌شود.^۲

«خطیب بزرگ شیعه مرحوم شیخ عبدالزهره کعبی می‌گوید: یک

روز بعد از ظهر وارد صحن مطهر امام حسین علیه السلام شدم؛

شخصی در مقابل یکی از حجره‌های صحن شریف کتاب‌های

۱. النجم الثاقب، ص ۶۰، مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامعه.

۲. الغدير، ج ۷، ص ۱۴. این قصیده را مرحوم شیخ طریحی در المنتخب و علامة سماوی در الطلیعة و خطیب دانشمند یعقوبی در البابیات و برخی دیگر از بزرگان در کتاب‌های خود آورده‌اند. (به نقل از شیفتگان حضرت مهدی (عج)، احمد قاضی زاهدی، ج ۳، ص ۱۷۳)

مذهبی می فروخت و من با وی سابقه آشنایی داشتم، چون مرا دید گفت: کتابی دارم که شاید برای شما نافع باشد و در آن اشعاری وجود دارد که زینده شما می باشد و قیمت آن این است که یک بار آن را برایم بخوانی.

مرحوم شیخ عبدالزهراء می گوید: آن اشعار گمشده من بود و مدت ها در جستجوی آن بودم. آن را گرفتم و در هنگامی که به خواندن آن مشغول بودم، ناگهان دیدم سیدی از بزرگان عرب در برابرم ایستاده و به اشعار گوش می دهد و گریه می کند. چون به این بیت رسیدم:

أَيُّ قَتْلٍ ظَنَّا نَا حُسَيْنٍ بِكَرْبَلَا وَ فِي كُلِّ عَضْرٍ مِنْ أَنَامِلِهِ بَحْرٌ؟

گریه آن بزرگوار شدید شد و رو به ضریح امام حسین علیه السلام نموده و این بیت را تکرار می نمود و هم چون زن جوان مرده می گریست. همین که اشعار را به پایان رساندم، دیگر آن بزرگوار را ندیدم. برای دیدن ایشان از صحن خارج شدم تا شاید آن جناب را بیابم، ولی ایشان را ندیدم، به هر کجا رو نمودم اثری نیافتم؛ گویا از برابر چشمم غایب شده است. به یقین دانستم او حضرت حجت و امام منتظر علیه السلام است.

حضرت آیه الله سید محمد شیرازی نیز می فرمودند: از خطیب مشهور عراق مرحوم شیخ عبدالزهراء کعبی - که مرد با اخلاصی بود و نوارهایش الآن هم پس از سال های سال که

مرحوم شده موجود است. - پرسیدم که شما این موضوع را
امتحان نکردید؟

گفت: چرا! مجلسی بود در کربلا خیابان حضرت عباس علیه السلام که
مجلس بی‌ریایی بود، من شروع کردم به خواندن این قصیده،
ناگاه متوجه شدم آقایانی وارد مجلس شدند و مجلس حال
دیگری به خود گرفت و پس از پایان قصیده دیگر آن‌ها را
ندیدم.^۱

مناسب است ما نیز برای توسل به حضرت، چند بیت از این
قصیده را در اینجا بیاوریم:

أَيُّ قَتْلٍ ظَمَّانًا حُسَيْنٌ بِكَرْبَلَا وَ فِي كُلِّ عُضْوٍ مِنْ أُنَامِلِهِ بَخْرٌ؟
وَالِدُهُ الشَّاقِي عَلَى الْحَوْضِ فِي غَدٍ وَ فَاطِمَةُ مَاءُ الْفُرَاتِ لَهَا مَهْرٌ
فَوَا لَهْفَ نَفْسِي لِلْحُسَيْنِ وَ مَا جَنَى عَلَيْهِ غَدَاةَ الطَّفِّ فِي حَرْبِهِ الشَّمْرُ^۲
- آیا حسین علیه السلام باید در کربلا تشنه به شهادت برسد، با آن که در هر انگشت او
دریایی یافت می‌شود؟

- و با آن که پدرش علی علیه السلام در روز رستاخیز، مردم را از حوض کوثر سیراب
می‌کند و آب فرات مهریه مادرش فاطمه علیه السلام است؟
- جانان! دریغا! بر حسین علیه السلام و جنایت‌هایی که شمر در کربلا نسبت به حضرتش،
روا داشت.

۱. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۷۲ و ۱۹۵.

۲. برای آگاهی از همه این قصیده طولانی که بیش از یکصد بیت است و ترجمه آن، ر.ک: ترجمه
الغدیرو و نیز شیفتگان حضرت مهدی (عج)، احمد قاضی زاهدی، ج ۳، صص ۱۷۴-۱۹۲.

۲۲ مصیبت حسین علیه السلام و تعجیل در فرج

صاحب مکیال المکارم می‌گوید: یکی از دوستان صالحم برایم نقل کرد که مولایمان حضرت حجت علیه السلام را در خواب دیدار کرده بود و حضرتش سخنی فرموده بود که مضمونش این است:

«انی لادعوا للمؤمن يذكر مصیبة جدی الشهید، ثم یدعو

لی بتعجیل الفرج و التأیید»؛^۱

همانا من برای هر شیعه‌ای که مصیبت جد شهیدم را یاد کند و سپس برای تعجیل فرج و تأیید [امر من] دعا کند، من [نیز] برای او دعا خواهم کرد.

۲۳ سختی مصیبت

مصیبت حسین علیه السلام سخت‌ترین مصیبت‌ها است:

«...فرزند تو به مصیبتی گرفتار می‌شود که مصیبت‌ها در کنار

آن کوچک خواهد بود.»^۲

«لا یوم کیومک یا ابا عبدالله»^۳.

مهدی (ع) نیز مصیبتش طولانی و محنتش شدید است. او شاهد همه رنج‌ها و مصیبت‌هایی است که بر تمامی انسان‌ها و فرد فرد شیعیانش وارد می‌شود:

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۵، به نقل از مکیال المکارم.

۳. همان، ج ۴۵، ص ۱۸.

«انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم...»^۱
 ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یسار
 شما را از خاطر نبرده ایم.

۲۴ اصلاح گری

امام حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام دو اصلاح گر سترگ اند. حسین علیه السلام
 می گوید:

«انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی»^۲

جز این نیست که برای اصلاح امت جدم قیام کردم.

در مورد مهدی علیه السلام نیز آمده است:

«لیصلح الامة بعد فسادها»^۳

خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام این امت را پس از آن که
 تباه شده اند، اصلاح می کند.

۲۵ بیعت نکردن با طاغوت

امام حسین علیه السلام می فرماید:

«لا والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا افتر فرار العبید»^۴

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

۲. الفتوح، ابن اعثم، ج ۳، ص ۲۳؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛

مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳ (به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله).

۴. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۹۷؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۲۶ (با اندکی تفاوت).

نه به خدا قسم دستم را از روی خواری و ذلت به شما ندهم و
مانند بردگان فرار نمی‌کنم.

مهدی علیه السلام نیز بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارد.

«ما منّا أحدٌ الا و يقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه الاّ
القائم... لئلا يكون لاحد فی عنقه بیعة اذا خرج ذاك
التاسع من ولد اخي الحسين»؛^۱

هر کدام از ما (اهل بیت علیهم السلام) در زمان خود بیعت حاکمان و
طاغوت‌های زمان را (از روی تقیه) به عهده داریم، مگر
قائم... تا هنگامی که قیام می‌کند، برگردنش بیعت حاکمی
نباشد. او نهمین فرزند برادرم حسین است.

۲۶ آرزوی شهادت در رکاب حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام

دو آرزو در روایات ما مطلوب است؛ یکی بودن در کربلا و
شهادت در رکاب حسین علیه السلام و دیگری فیض جهاد و شهادت در
رکاب امام مهدی علیه السلام:

«یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً»^۲

«اللهم انی اجدّد له فی صبیحة یومی هذا... و اجعلنی من انصاره... و

المستشهدین بین یدیه... فاخرجنی من قبری مؤتزرّاً کفنی شاهراً سیفی...»^۳.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و نیز ر.ک: همان، ص ۱۳۵ و کمال الدین، ص ۴۸۰.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام.

۳. همان، دعای عهد.



تحليلها

تحلیل‌ها

۱ عاشورا، پشتوانه فرهنگی انتظار

فرهنگ «عاشورا»، زمینه‌ساز فرهنگ «انتظار» است. «انتظار» ادامه عاشورا است و چشم به راه حسین دیگری نشستن در کربلایی به وسعت جهان.

فرهنگ «عاشورا» آن چنان در روح انسان‌ها، رسوخ کرده و آتش عشقش، شراره‌ای در دل‌ها انداخته که بدون تردید، مؤثرترین و پایدارترین عنصر فرهنگ‌ساز، برای شیعیان و تمامی انسان‌های آزاده عالم است. به گفته امام راحل (ره): «ما هر چه داریم از محرم و صفر داریم».

۲ اشتراک در اهداف

هدف مهدی علیه السلام، نجات انسان‌ها از بردگی فکری و برداشتن زنجیرهای اسارت از آنان است.
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إذا قام القائم ذهب دولة الباطل»؛^۱

هنگامی که قائم قیام کند، هر آینه باطل از بین می‌رود.

هدف امام حسین علیه السلام نیز در زیارت «اربعین» چنین بیان شده است:

«و بذل مهجة فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة و حيرة

الضالة»؛^۲

خون خود را تقدیم تو کرد، تا انسان‌ها را از نادانی و گمراهی
رهایی بخشد.

پس هدف هر دو، احیای دین و جلوگیری از انحطاط ارزش‌ها
است.

۳] مشابهت در زمانه

حسین علیه السلام زمانه خود را چنین توصیف می‌کند:

«الا ترون انّ الحق لا يعمل به و انّ الهوى لا يترك عنه»؛^۳

آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل خودداری
نمی‌گردد،

«فان السنة قد اميتت و انّ البدعة قد احييت»؛^۴

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.

۳. تحف العقول، ص ۲۴۵؛ مقتل مقرر، ص ۱۹۴.

۴. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۷؛ وقعة الطف، ص ۱۰۷.

همانا در شرایطی هستیم که سنت پیامبر، از بین رفته و بدعت‌ها زنده شده است.

«علی الاسلام السلام اذا قد بليت الامة براعٍ مثل یزید»؛^۱
اگر حاکم امت، فردی هم‌چون یزید باشد، پس باید فاتحه اسلام را خواند.

زمانه مهدی علیه السلام نیز چنین است:

«يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى على الهوى
و يعطف الرأى على القرآن، اذا عطفوا القرآن على
الرأى... و يحيى ميّت الكتاب والسنة»؛^۲

چون مهدی قیام کند، خواهش‌های نفسانی را به هدایت آسمانی، بازگرداند؛ پس از آن‌که رستگاری را به هوای نفس بازگردانده باشند. آرا و افکار را پیرو قرآن کند، پس از آن‌که قرآن را تابع رأی خود گردانده باشند... پس مهدی به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه در حکومت، چگونه است و آن‌چه را که از کتاب و سنت متروک مانده، زنده خواهد ساخت.

زمانه مهدی علیه السلام و حسین علیه السلام، در انحراف فکری، فساد اجتماعی، رواج بی‌دینی و بدعت در سطح جهانی، مشابه

۱. الفتوح، ابن اعثم، ج ۵، ص ۲۴؛ زندگانی امام حسین علیه السلام، سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۱۵۸.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

یکدیگر است.

مشابهت در زمانه، ابعاد متعددی دارد؛ از تبلیغات جبهه باطل گرفته تا حاکمیت خلفای جور و غربت دین در عرصه زندگی و جامعه. تبلیغات بنی‌امیه و معاویه علیه اهل بیت علیهم‌السلام و امام حسین علیه‌السلام^۱، شباهت زیادی به تبلیغات کشورهای استکباری و صهیونیست‌ها، علیه ایران اسلامی دارد.

۴ مشابهت در یاران

یاران حسین علیه‌السلام بهترین یاران و فدایی او بودند. آنان از معرفت، محبت، اطاعت و تسلیم نسبت به امام خود و سبقت در اجرای خواسته‌ها و فرامین او برخوردارند و در عبادت، صداقت، اخلاص و شجاعت یگانه دوران بودند.

یاران مهدی علیه‌السلام نیز چنین‌اند:

۱. تبلیغات بنی‌امیه تا آن جا بود که مردم شام، بنی‌امیه را اهل بیت پیامبر می‌دانستند. عبدالله بن علی وقتی از شام برگشت، گفت: «انهم ما علموا لرسول الله قرابة و لاهل بیت یرثونه غیر بنی‌امیه».

مسعودی نیز در مروج الذهب (ج ۳، ص ۴۴) نقل می‌کند: «از یکی از بزرگان اهل شام که اهل رأی و عقل بود سؤال شد: ابوتراب کیست که این خطیب او را لعن می‌کند؟ جواب داد: من فکر می‌کنم یکی از دزدان فتنه‌انگیز باشد.»

ابن ابی‌الحدید، از امام باقر علیه‌السلام نیز چنین نقل می‌کند: «سخت‌ترین زمان برای شیعیان ما زمان معاویه بود که در هر شهری آن‌ها را می‌یافتند به قتل می‌رساندند و دست و پای آن‌ها را می‌بریدند تا در زمان حاکمیت عیدالله بن زیاد و حجاج در کوفه که مردم بیشتر دوست داشتند به آن‌ها کافر و زندیق بگویند تا شیعه علی علیه‌السلام». (زمینه‌های قیام امام حسین علیه‌السلام، ص ۲۵۰).

«هم اطوع له من الامة لسيدها»؛^۱

آن‌ها مطیع‌تر از کنیز نسبت به مولای خود هستند.

«کدّادون جاحدون فی طاعته»؛^۲

یاران مهدی (عج) در فرمانبرداری از حضرتش، بسیار کوشا و مصمم‌اند.

«لا یسبقهم الاولون و لا یدرکهم الآخرون»؛^۳

آنان [در شایستگی‌ها و امتیازات بر اوج رفیعی‌اند] نه از نسل‌های گذشته، کسی از آنان پیشی گرفته و نه از آیندگان، کسی به مقام والای آنان می‌رسد.

«رهبان باللیل لیوث بالنهار، کأنّ قلوبهم زبر الحدید»؛^۴

عابدان شب و شیران روزند، [در شجاعت] قلوبشان هم‌چون پاره‌های آهن است.

۵ ضرورت درگیری و نبرد

درگیری بین حق و باطل، ایمان و کفر، یک ضرورت است؛ چون حقیقت «ایمان»، حرکت و رویش و خصلت «کفر» ایستادگی و ماندگی است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. همان، ص ۳۱۱.

۳. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۰۰ (به نقل از مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۴).

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

ساده اندیشی است اگر گمان شود، مسائل و مشکلات، تنها با گفت‌وگو حل می‌شود. باید به فکر پس از گفت‌وگو هم بود که اگر زیر بار حق نرفتند و یا خواستند بر ظلم خود باقی بمانند، چه باید کرد؟ پس از گفت‌وگو و دو گروه شدن، مخاصمه و درگیری هم هست یا نه؟ «فاذا هم فریقان یختصمون...»^۱.

به راستی آیا مشکل اسرائیل و فلسطین، با گفت‌وگو حل می‌شود؟ آیا آمریکا با گفت‌وگو حاضر است، از خوی استکباری خود دست بردارد؟

نبرد حسین علیه السلام و یزید، جنگ مهدی علیه السلام و مستکبران، نبرد حق و باطل است؛ یکی در محدوده کربلا و دیگری در وسعت همه زمین.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«لیس شأنه الا السیف»^۲؛

او فقط شمشیر را می‌شناسد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«یکفون سیوفهم حتی یرضی الله عزوجل»^۳؛

[یاران قائم] شمشیرهای خویش را بر زمین نمی‌نهند تا این که

خدای عزوجل راضی شود.

۱. نمل (۲۷)، آیه ۴۵.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷.

۶ منتظران مهدی علیه السلام، پرورش یافتگان مکتب عاشورا

یاران مهدی علیه السلام، همه عاشورایی‌اند و در مکتب حسین علیه السلام پرورش یافته و بالیده‌اند.

کسانی می‌توانند در رکاب مهدی علیه السلام باشند و امام حق را یاری رسانند که در مکتب «عاشورا» آبدیده شده و معیار جنگ و صلح را از او آموخته باشند که حسین علیه السلام خود معیار سلم و حرب و تولا و تبرّا است.

۷ سختی و مشکلات راه

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: قیام امام زمان علیه السلام نشانه‌هایی دارد.
راوی پرسید: آن‌ها چیستند؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«ذلک قول الله عزوجل و لنبلونکم بشیء من الخوف و
الجوع^۱ لو قد خرج قائمنا، لم یکن الا العلق و العرق و
القوم علی السروج»^۲؛

این سخن خداوند است که «شمارا با گرسنگی و ترس آزمایش
می‌کند»؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خون است و عرق
ریختن و سوار بر مرکب‌ها بودن در میدان‌های مبارزه.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۹۴

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۹ (امام رضا علیه السلام).

۸ ریزش و رویش

به کاروان حسین علیه السلام کسانی پیوستند که امید پیوستنشان نبود، هم چون زهیر و حر که یکی عثمانی بود و در صفین بر علیه علی علیه السلام شمشیر زده و دیگری فرمانده سپاه عمر سعد بود و کسانی به بهانه های واهی نپیوستند، هم چون طرماح بن عدی و یا پیوستند و جدا شدند و سعادت شهادت در کنار حسین علیه السلام را نداشتند؛ چه آنانی که در میانه راه جدا شدند و چه آنانی که در کربلا، از میدان معرکه گریختند.

در مورد یاران مهدی علیه السلام نیز داریم:

قال الصادق علیه السلام:

«إذا خرج القائم يخرج من هذا الامر من كان يرى انه من

اهله و دخل فيه شبه عبدة الشمس والقمر»؛^۱

هنگامی که قائم قیام کند از امر [ولایت] او کسانی بیرون

می روند که همواره چنین به نظر می رسد از یاران او باشند. و

به امر [ولایت] او در می آیند آنانی که شبیه خورشید پرستان و

ماه پرستانند.

در مورد یهودیان جزیره العرب، نیز داریم که منتظر آمدن پیامبر

بودند. اما وقتی آمد، به او کافر شدند ﴿فلما جائهم ما عرفوا كفروا

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

به^۱ از حسین نیز تقاضا کردند که بیاید و نامه‌ها نوشتند، اما هنگامی که آمد، به او پشت کردند و خون او را ریختند.

۹ الهام‌پذیری هر دو فرهنگ

حسین علیه السلام با شهادت خود، پایه‌گذار فرهنگ شهادت شد و این فرهنگ، آن چنان در فرهنگ مسلمین ریشه دواند و در دل‌ها جا باز کرد که به عنوان الگو، سرآغاز بسیاری از حرکات و قیام‌های حق‌طلبانه در سرزمین پهناور اسلامی بر علیه خلفا و حاکمان ستمگر، شد. در عراق؛ بصره و کوفه (سلیمان بن صرد، مختار، زید بن علی)، در حجاز؛ مدینه و مکه، در خراسان (یحیی بن زید)^۲ و هنوز هم همه عدالت‌خواهان و مردان تاریخ، می‌گویند باید پا جای پای حسین و شهدای کربلا گذاشت (گاندی).

انتظار نیز به عنوان یکی از بزرگترین، قوی‌ترین و انگیزه‌سازترین آرمان‌های انسانی، نقش بی‌بدیلی در از بین بردن یأس و ناامیدی و پیروزی نهایی مظلومان بر مستکبران دارد ﴿و نریدان نمّن... و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین﴾^۳. هم‌چنان که می‌تواند به عنوان یک راهبرد اساسی و کلیدی در تمامی ابعاد سیاسی - اجتماعی، تربیتی و فکری یک جامعه تأثیرگذار باشد.

۱. بقره (۲)، آیه ۸۹

۲. ر.ک: پیامدهای عاشورا، سید ابوالفضل اردکانی.

۳. قصص (۲۸)، آیه ۵.

از طرف دیگر منتظر ظهور مصلح، خود باید صالح باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان لنا دولة یجىء بها الله اذا شاء ثم قال: من سرّه ان
یکون من اصحاب القائم علیه السلام فلینتظر و لیعمل بالورع و
محاسن الاخلاق و هو منتظر»؛^۱

ما دولت و حکومتی داریم و خداوند، هرگاه بخواهد این
دولت ظهور خواهد کرد و اگر کسی خوشحال و خشنود
می شود که از یاران مهدی علیه السلام باشد؛ پس منتظر باشد و در
حال انتظار، اهل ورع و اجتناب از گناهان و اهل محاسن و
مکارم اخلاق باشد.

«یخرج اناس من المشرق و یوطئون للمهدی سلطانه»؛
گروهی از مشرق زمین به پا خاسته و زمینه ساز حکومت امام
مهدی علیه السلام می شوند.

۱۰ زوال دولت های باطل

حسین علیه السلام، با شهادت خود، باعث رسوایی و در نتیجه نابودی
دولت بنی امیه شد. مهدی علیه السلام نیز با ظهور خود، باعث رسوایی و
تزلزل تمامی دولت های مستکبر، خواهد شد:

۱. منتخب الاثر، ص ۴۹۷، فصل ۱۰، باب ۲، ح ۹.

«اذا قام القائم ذهب دولة الباطل»؛^۱

هنگامی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود.

در دعای ندبه، ندا سر می‌دهیم:

«این قاصم شوكة المعتدين؟ این هادم ابنية الشرك و

النفاق؟ این مبيد اهل الفسوق و العصيان و الطغيان؟...»؛^۲

کجا است درهم شکننده شوکت متجاوزان؟ کجا است ویران

کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجا است نابودکننده اهل

نادرستی و عصیان و طغیان؟...

در روایات نیز آمده است:»

«و لا يكون ملك الا للاسلام»؛^۳

در آن روز حکومتی جز حکومت اسلام، نخواهد بود.

«يبلغ سلطانه المشرق و المغرب»؛^۴

دولت مهدی (عج) شرق و غرب جهان را فراگیرد.

«اذا قام القائم لا يبقى ارض الا نودی فيها شهادة ان لا اله

الا الله و ان محمداً رسول الله»؛^۵

هنگامی که مهدی (عج) قیام کند زمینی باقی نمی‌ماند مگر

آن که گلبانگ توحید و رسالت پیامبر در آن بلند گردد.

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۸ (امام باقر علیه السلام).

۲. دعای ندبه.

۳. الملاحم و الفتن، ج ۲، ص ۶۶

۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱ (امام باقر علیه السلام).

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ (امام صادق علیه السلام).

۱۱ تکیه بر سنت‌های الهی

سنت خداوند چنین است که تا تحولی در وجود انسان‌ها پدید نیاید، وضعیت جامعه و اجتماع آنان، دگرگون نخواهد شد: ﴿ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم﴾^۱ و سنت‌های الهی تخلف‌ناپذیر است: ﴿ولن تجد لسنة الله تبديلاً﴾^۲.

ظهور مهدی علیه السلام زمینه‌های مردمی و عده و عده‌ای را می‌طلبد که باید فراهم شود و این به عهده ما است؛ گرچه اگر ما کاری نکنیم، ظلم فراگیر و باطل، خود زمینه‌ساز عدالت و حق خواهد بود؛ چون باطل رفتنی است: ﴿قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً﴾^۳.

البته این بدان معنا نیست که از امدادهای غیبی و معجزات استفاده نمی‌شود، بلکه امدادهای غیبی نیز از سنت‌های الهی است. و فرآیند خاص خود را دارد. به شهادت قرآن، پس از به کار گرفتن تمامی استعدادها، تلاش‌ها، تحمل سختی‌ها و شداید و طلب و درخواست انسان‌ها، امداد و عنایت الهی فرا خواهد رسید: ﴿ان تنصر الله ینصرکم﴾^۴.

﴿... ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم مثل الذین خلوا من

۱. رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

۲. احزاب (۳۳)، آیه ۶۲.

۳. اسراء (۱۷)، آیه ۸۱.

۴. محمد (۴۷)، آیه ۷.

قبلکم مستهم البأساء والضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین آمنوا معه متى نصر الله الا ان نصر الله قريب»^۱.

از شرایط اساسی ظهور حضرت حجت زمینه‌های مردمی است:

«لا یرج المهدی حتی یقتل النفس الزکیة... فاتی الناس

المهدی و زقوها الیه ما تزف العروس الی زوجها لیلة

عرسها»^۲.

مهدی [علیه السلام] قیام نمی‌کند تا زمانی که نفس زکیه کشته شود. ...

در این هنگام مردم، گرد مهدی [علیه السلام] اجتماع کرده و او را

[برای حکومت] می‌آورند، همانند آوردن عروس به خانه

شوهر.

«...انه لا یرج حتی لا یكون غائب احب الی الناس منه

مما یلقون من الشر»^۳.

مهدی [علیه السلام] قیام نمی‌کند تا هنگامی که هیچ غایبی نزد مردم

محبوب‌تر از وی نباشد و این به خاطر شرارت‌ها و آسیب‌هایی

است که مردم دیده‌اند.

۱. بقره (۲)، آیه ۲۱۴.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۷۸؛ الملاحم والفتن، سیدابن طاووس ص ۱۳۹، ب ۶۳.

۳. عقد الدرر، ص ۹۴. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ر.ک: مقالة «مقدمات ظهور»، مجتبی فلاح، فصلنامه انتظار، شماره ۷، ص ۲۳۰.

۱۲ نقش زنان

نقش زنان، در هیچ حرکتی از حرکت‌های اسلامی و شیعی - از صدر اسلام تاکنون - به اهمیت و برجستگی نقش زن در قیام «عاشورا» نبوده است.

«عاشورا» تنها صحنه‌ای است که در آن «زن»، در متن قرارداد و نه حاشیه و نقش زن شیعی در آن، پررنگ و پرحضور است و شاید یکی از رمزهای جاودانگی آن همین باشد. نقش «زینب»، این شیرزن دریادل کربلا و همسر و دختران امام حسین علیه السلام - به عنوان پیام‌آوران واقعه عاشورا - از جایگاه خاصی برخوردار است. نقش ام وهب، دلهم (زن زهیر)، طوعه، ماریه^۱ و حتی زنان قبیله بنی‌همدان^۲، غیر قابل کتمان است.

مرحوم حاج شیخ ملاسلطان علی تبریزی - که از جمله عابدان و زاهدان بود - در عالم رؤیا خدمت امام زمان علیه السلام رسید و عرض کرد:

«ای مولای ما! آیا آن چه در زیارت ناحیه مقدسه آورده شده

۱. وی اهل بصره و خانه‌اش، کانون شیعیان امام علی علیه السلام بود. از آن کانون تنی چند به یاری حسین علیه السلام شتافتند و شهید شدند؛ گرچه خود وی نیامد. ر.ک: کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۱.

مأمقانی در رجال خود درباره این زن می‌نویسد: «او شیعه دوازده امامی و زنی پرهیزکار و خانه‌او مرکز اجتماعات شیعه و گفت‌وگوهای آنان بوده است.» (تنقیح المقال، ج ۳، ص ۸۳)

۲. پس از مردن یزید، برخی از بزرگان و اشراف کوفه تصمیم گرفتند عمر سعد را به عنوان امیر خود برگزینند. زنان قبیله بنی‌همدان تا این خبر را شنیدند، شیون کنان داخل مسجد شدند و از این کار ممانعت کردند. آنان می‌گفتند شما می‌خواهید کسی را حاکم کنید که فرزند رسول خدا را به شهادت رسانده است؟! ر.ک: تاریخ طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۵، ص ۵۲۴؛ کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۴۳.

و می فرماید: «فلأندبنك صباحاً و مساءً و لأبكين لك

بدل الدموع دماً» صحیح است؟

فرمود: آری، صحیح است.

عرض کردم: آن کدام مصیبت است که به جای اشک، خون

گریه می کردید؟ آیا مصیبت حضرت علی اکبر است؟

حضرت فرمود: اگر علی اکبر هم بود، در این مصیبت خون

می گریست.

- آیا مصیبت حضرت عباس است؟

- اگر عباس هم بود، در این مصیبت خون می گریست.

- آیا مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام است؟

- اگر سیدالشهدا علیه السلام هم بود، در این مصیبت خون

می گریست.

- پس کدام مصیبت است؟

- مصیبت اسیری زینب علیها السلام.^۱

در قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین است و زنان از جایگاه

ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. نقش زن در عصر ظهور، هم‌چون

نقش مدعیان امروز و طرفداران حقوق زن نیست که او را تا سرحد

یک کالا و وسیله‌ای برای لذت طلبی و عیاشی تنزل داده‌اند.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

۱. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸؛ اشک‌های امام زمان (عج)، ص ۹۴.

«و یجیء واللہ ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً فیہم خمسون امرأة یجتمعون بمكة علی غیر میعاد قزعاً کقزع الخریف»؛^۱
 به خدا سوگند سیصد و سیزده نفر می آیند که پنجاه تن از آنان زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی، در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد.

ام سلمه نیز از پیامبر ﷺ چنین روایت کرده است:

«یعود عائذ من الحرم فیجتمع الناس الیہ كالطیر الوارد المتفرقة حتی یجتمع الیہ ثلاث مائة و اربعة عشر رجلاً فیہ نسوة فیظهر علی کل جبار و ابن جبار»؛^۲
 در آن هنگام پناهنده‌ای به حرم امن الهی پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند به سوی او جمع می‌شوند تا این که در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد آمده که برخی از آنان زن می‌باشند که بر هر ستمگر و ستمگرزاده‌ای پیروز می‌شوند.

۱۳ دشواری حفظ دین

در دوران امام حسین علیه السلام بر اساس بدعت‌های خلفا و تبلیغات بنی امیه، دین بی ارزش و بازار دنیا پررونق بود:

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۲. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۰۰.

«الناس عبيد الدنيا و الدين على السنتهم ما دّرت
معایشهم فاذا محصّوا بالبلاء قلّ الديّانون»؛^۱

مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان می باشد، مادامی
که زندگی دنیای آنها تأمین شود. اما همین که در بوته امتحان
قرار گرفتند، دین داران کم خواهند بود.

اگر نبود حسین علیه السلام - این خط روشن ولایت و وارث پیامبران -
چراغ دین، آخرین کورسوهای خود را می زد.
در عصر انتظار نیز حفظ دین، از سخت ترین کارها است. امام
صادق علیه السلام می فرماید:

«ان لصاحب هذا الامر غيبة، المتمسك فيها بدینه
كالخارط لشوك القتاد بیده - ثم اوما ابو عبد الله علیه السلام بیده
هكذا. قال: فايكم تمسك شوك القتاد - ثم اطوق ملياً ثم
قال: ان لصاحب هذا الامر غيبة فليتنق الله عبد عند غيبته و
ليتمسك بدینه»؛^۲

برای صاحب این امر (حضرت مهدی علیه السلام) غیبتی خواهد بود.
هر کس در روزگار غیبت او دین خود را حفظ کند، مانند کسی
است که تیغ های تیز گیاه قتاد را با دستش صاف و هموار سازد؛
سپس حضرت با دست [مبارک] خویش اشاره فرمود که چگونه
با دست، تیغ های قتاد را باید هموار ساخت. آنگاه افزود:

۱. تحف العقول، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

کدام یک از شما تا به حال توانسته است، خارهای خنجرگونه
قناد را به دست بگیرد؟

سپس حضرت سر به زیر افکند و مدتی سکوت کرد؛ آن گاه
افزود: برای صاحب این امر، غیبتی است که در روزگار دشوار
غیبت، هر بنده خدایی باید تقوا پیشه کند و دینش را حفظ نماید.
در روایتی دیگر، آمده است:

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَى وَلَايَتِنَا فِي غِيْبَةِ قَائِمِنَا، اعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ الْفِ
شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَاحِدٍ»^۱

کسی که در روزگار قائم ما، در امر ولایت ما ثابت قدم و استوار
باقی بماند و نلغزد، چنان است که خداوند پاداش هزار شهید
مانند شهدای جنگ‌های بدر و احد به آنان عطا می‌فرماید.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيْبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ. فَيَا طُوبَى
لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ»^۲

روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام و پیشوای ایشان از
[چشم] آنان غایب و پنهان می‌گردد. پس خوشا بر احوال
کسانی که در آن زمان (غیبت در امر ولایت) ثابت قدم و
استوار می‌مانند.

حضرت در ادامه، فضایل فراوانی برای کسانی که دین خود را

۱. همان، ج ۵۳، ص ۱۳۵.

۲. همان.

حفظ می‌کنند، بیان می‌دارد که این فضایل زیاد، به جهت سنگینی
و عظمت کار آنان است.

پیامبر ﷺ فرمود:

«اللهم لَقْنِي اخوانِي، مرتين... لاحدهم اشدَّ بقیةً علی دینه
من خَرط القَتَاد فی اللیلة الظلماء او کالقابض علی جُمُر
الغضاء، اولئک مصابیح الدجی ینجیهم الله من کل فتنة
غبراء مظلمة»؛^۱

بارالها! مرا به دیدار برادرانم نایل گردان... هر یک از ایشان در
پایداری و استواری در دین، از کسی که در دل تیره شب،
شاخه پرتیغ گیاه قتاد را، با کف دست صاف و هموار
می‌سازد، پایدارتر است یا همانند کسی که صبورانه پاره آتشی
را بر دست گیرد و در آن حال در دین خویش استوار باشد.
آری، ایشان چراغ‌های هدایت در شب تاریک و دیجور
هستند. خداوند ایشان را از هر فتنه تیره و تارهایی می‌بخشد.

۱۴ سازش ناپذیری

حسین علیه السلام در ردّ درخواست یزید بر بیعت، با قاطعیت می‌گوید:
«مثلی لا یبایع مثله»؛^۲ حضرت مهدی علیه السلام نیز با هیچ‌کس سر سازش
ندارد. امام باقر و صادق علیهما السلام می‌فرمایند:

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵؛ زندگانی امام حسین علیه السلام، سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۱۵۱.

«لیس شأنه الا السیف»^۱

او فقط شمشیر را می شناسد.

«یقتل اعداء الله حتی یرضی الله»^۲

دشمنان خدا را می کشد تا خدا راضی گردد.

۱۵ تلاش جهت جذب و نیروسازی

حسین علیه السلام، مدام به فکر جذب نیرو و تربیت و سازندگی بود. و با نامه به شهرهای مختلف و سفرهای خود و با زندگی ساده و انفاق‌های خود، سعی در جذب و تألیف قلوب و تربیت و پرورش آنان داشت. او دو سال پیش از مردن معاویه، در «منا»، جمعی بالغ بر هزار نفر از صحابه و تابعان را گرد آورد و تمامی فضایل اهل بیت را به همراه ویژگی‌های دشمنان آنان، از قرآن بر آنان خواند. آن حضرت در دوره یزید، در سفر خود از مکه به کربلا، از سیاست جذب نیرو چشم‌پوشید و افرادی هم‌چون زهیر و حر را جذب نمود.

مهدی علیه السلام فرزند حسین علیه السلام نیز در میان ما و در حال تلاش و نیروسازی است و لحظه‌ای از این مهم غافل نیست:

«ان یکون صاحبکم المظلوم، المجعود حقه، صاحب هذا الامر یتردد بینهم و یمشی فی اسواقهم و یطأ فرشهم و

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۳۲.

لا يعرفونه حتى يأذن الله له ان يعرفهم نفسه»^۱

صاحب این امر... در میان آنان راه می‌رود، در بازارهایشان رفت و آمد می‌کند. روی فرش‌هایشان گام برمی‌دارد، ولی او را نمی‌شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان معرفی کند.

در برخی کتاب‌ها داستان‌هایی شنیدنی و موثق در این باره آمده است.^۲

۱۶ انتظار

پیامبر ﷺ از خیلی پیش‌ترها، خبر شهادت امام حسین ﷺ را داده بود.

امام علی ﷺ نیز می‌فرمود: «هیئنا مناخ رکاب و مصارع عشاق».^۳ این اخبار تا آن جا بود که کسانی، از مدت‌ها پیش در منطقه کربلا اقامت گزیده و منتظر یاری فرزند رسول خدا بودند و سرانجام به آرزوی خود رسیدند:

«پدرم همواره در بادیه به سر می‌برد. روزی نزدیک آوردگاه (قتلگاه) حسین [ﷺ] بار انداخت. در آنجا مردی از بنی اسد

۱. الغیبة نعمانی، ص ۸۴ و نیز ر.ک: همان، ص ۷۲.

۲. ر.ک: میر مهر (جلوه‌های محبت امام زمان ﷺ)، مسعود پورسیدآقایی.

۳. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۹۵. (اینجا جای خوابیدن شترها و بر زمین افتادن عشاق و شهدا است.)

را یافت. به او گفت: [چيست كه] تو را هميشه در اين مكان
می بینم؟!

مرد اسدی گفت: «به من خبر رسیده كه حسين [عليه السلام] در اين جا
به شهادت می رسد، از اين رو به اينجا آمدم تا شايد او را درك
كنم و در ركابش به شهادت برسم.»

بعدها وقتی حسين [عليه السلام] به شهادت رسيد. پدرم به ما گفت:
برويد ببينيد آيا آن مرد اسدی در ميان شهدا است.

آمدیم در آوردگاه و جستجو کردیم و اسدی را در ميان شهدا
یافتیم.^۱

پیامبر ﷺ و تمامی ائمه علیهم السلام، بشارت ظهور مهدی علیه السلام و دولت
کریمه او را داده اند و باید منتظر بود كه:
«افضل اعمال امتی انتظار فرج من الله عز وجل»^۲

۱۷ طلب یاری

فریاد استنصار و طلب یاری حسين علیه السلام، هنوز هم از رواق تاریخ
به گوش می رسد:

۱. تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۲۱۶. «قال العربان بن الرهثم كان ابي يتبدي فينزل قريباً من
الموضع الذي كان فيه معركة الحسين [عليه السلام] فكلنا لانبدو الا وجدنا رجلاً من بني اسد هناك،
فقال له: اني اراك ملازماً هذا المكان، قال بلغني ان حسيناً يقتل هاهنا فانا اخرج لعلی
اصادفه فأقتل معه.

فلما قتل الحسين [عليه السلام]، قال ابي: انطلقوا ننظر هل الاسدي فيمن قُتل؟ واتينا المعركة
فطوفنا فاذا الاسدي مقتول.»

۲. منتخب الاثر، ص ۶۲۹

«هل من ناصرٍ ينصرني»^۱

«هل من مغيث يغثنا»^۲

«هل من ذاب يذب عن حرم رسول الله»^۳.

فریاد استنصار مهدی علیه السلام، نیز همواره بلند است:

آیا کسی هست که مهدی آل محمد را یاری کند؟ آیا کسی

هست عشق مرا در دل‌ها زنده کند؟ و انسان‌های بریده از مرا،

با من پیوند زند؟

می‌گویند: او لو به زبان حال! با شنیدن فریاد «هل من ناصر

حسینی»، گهواره علی اصغر تکان خورد!

آیا با شنیدن «هل من ناصر مهدوی» نیز، دلی هست که بلرزد و با

امامش عهد و پیمانی ببندد و به کمک او برخیزد؟ آن هم در این

عصر وانفسا؟!

او در روز ظهور خود به دیوار کعبه تکیه داده بانگ بر می‌دارد:

«ای مردم! ما از خداوند یاری می‌جوییم. هر که می‌خواهد ما را

اجابت کند... از شما می‌خواهم که به حق خدا و به حق رسول

خدا و به حق خودم بر شما - که حق قرابت رسول الله صلی الله علیه و آله

می‌باشد - ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ظلم می‌کنند، از

۱. گرچه مشهور است که این سخن از امام حسین علیه السلام است، اما هیچ مأخذی برای آن نیافتیم.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۶.

۳. همان. درباره تعداد استنصارهای امام حسین علیه السلام ر.ک: ریاض القدس، ج ۱، صص ۱۸۶ و

۱۸۷ (به نقل از ثارالله، حسین عندلیب، ص ۲۷۱).

ما بازدارید که ما را ترسانده و بر ما ظلم کرده‌اند. از شهر و
فرزندانمان جدا کرده. بر ما ستم روا داشتند و شوریدند. اهل
باطل حَقمان را گرفته. بر ما افترا بستند. خدا را دربارهٔ ما در
نظر آورید! ما را تنها نگذاشته، خوارمان نکنید. یاریمان کنید
که خداوند شما را یاری می‌کند.^۱

۱۸ تدبیر و مدیریت

مدیریت حسین علیه السلام، مدیریتی بی‌نظیر است. این‌که جماعتی
اندک در برابر سپاهی سی هزار نفری، از پگاه صبح تا هنگام عصر
مقاومت کنند، حکایت از مدیریت عالی و تدبیر بلند حسین (ع)
دارد. او با تشکیل میمنه و میسره و علمدار و قرار گرفتن خود در
قلب سپاه، به عنوان فرمانده و قرار دادن خیمه‌ها در جایگاهی
مناسب - به طوری که پشت آن نه‌ری خشک‌شده باشد - و ریختن
نی و هیزم در آن و آتش زدن آن‌ها در فرصتی مناسب و خیمه‌ها را
در کنار هم بستن و... به طوری که دشمن نتواند آن‌ها را محاصره
کند و تنها از روبه‌رو با آن‌ها بجنگد، نشان داد که از تدبیر و
مدیریتی بی‌نظیر برخوردار است. امام با تسلطی شگرف تمامی
صحنه‌ها را زیر نظر داشت و هم‌چون یک فرماندهٔ پیروز تا آخرین
لحظه، ذره‌ای ترس و واهمه به خود راه نداد. او در شب عاشورا از

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

تمام منطقه نبرد، بازدید کرد و با گفت‌وگویی با اصحاب و اهل حرم همه آنان را به آمادگی و وسعت رسانید و خود و اهل بیت و اصحابش، با عبادت و دعا شب را به صبح رساندند. کسانی که صبح پرکاری دارند، باید شب‌ها را به پا خیزند و با خالق خود به راز و نیاز بپردازند. ﴿يا ايها المزمّل قم الليل... إن لك في النهار سبحاً طويلاً﴾^۱ مهدی عليه السلام نیز در مدیریت و تدبیر، هم‌چون جدّ بزرگوار خود حسین (ع) است. تشکیل یک حکومت جهانی و اداره همه انسان‌ها مدیریتی می‌خواهد سترگ، به عظمت سینه مهدی (ع) که: «آلة الرئاسة سعة الصدر»^۲.

۱. زمّل (۷۳)، آیات ۱-۵.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۱۷۶.



رهیافت‌ها

رہیافت‌ها

با پیوندها به تحلیل می‌رسیم و با تحلیل‌ها به رہیافت‌ها. هر کدام از تحلیل‌ها، می‌تواند پیام آور رہیافت یا رہیافت‌هایی باشد. آن جا که یوسف علیه السلام با خواب عزیز مصر، به دو برنامه هفت ساله می‌رسد و مصر را از قحطی و گرسنگی نجات می‌دهد، چرا نتوان با این همه پیوند و تحلیل، به رہیافت‌ها و در نتیجه به برنامه‌ریزی و موضع‌گیری مناسب رسید؟!.

این رہیافت‌ها (هم چون سیره تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی آن حضرت)، می‌تواند اساس برنامه‌ریزی‌های راهبردی و کلان جامعه منتظر و حکومت دینی باشد.

۱ تبیین فرهنگ عاشورا

اگر «عاشورا» پشتوانه فرهنگی «انتظار» است، پس در جهت تبیین حرکت عاشورا و نیز برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم عاشورا و معرفی اسوه‌های جاویدان آن، باید تلاش دو چندان کرد.

خیلی فرق است بین این که به «عاشورا»، به عنوان پشتوانه و عقبه فرهنگی و الهام‌پذیر انتظار نگاه شود؛ یا یک سنت برخاسته از عواطف و احساسات قومی.

رسانه‌های عمومی - به خصوص صدا و سیما - حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی، نقشی حیاتی و اساسی در غنا بخشیدن به این فرهنگ دارند.

«کربلا» دانشگاه بزرگی است با کلاس‌ها و درس‌های بسیار. ابعاد و آموزه‌های این دانشگاه بزرگ، هنوز هم بر بسیاری پوشیده است. باید در این دریای عمیق گسترده پربار، غواصانی ماهر و زبردست، به صید پردازند تا لؤلؤها و مرواریدهای گران‌بهای آن را به چنگ آورده، در اختیار خواستاران و خریداران قرار دهند.

هنوز هم این حرکت عظیم و منشور بی‌نهایت، زوایای پنهان و ابعاد گسترده‌ای دارد که تنها بر عاشقان رخ می‌نماید. این غزال گریز پا در کمند هر کس نمی‌افتد! پرورش یافتگان مکتب مهدوی، امام حسین (علیه السلام) را به عنوان معیار «سلم و حرب» و منشأ «الهام‌پذیری» می‌دانند. باید این معیار برای همگان به خوبی تبیین شود.

۲ تبیین دین

عصر حسین (علیه السلام)، عصر غربت دین بود و عصر انتظار نیز چنین است. قیام حسین و فرزندش مهدی (علیه السلام) برای احیای دین است.

منتظر مهدی، باید از دین و ضرورت، قلمرو، و زبان آن و... تحلیلی عمیق داشته باشد تا در این عصر - که عصر شبهات و فتنه‌ها است - بتواند زمینه ساز حرکت مهدی (عج) باشد.

۳ الگو سازی

حسین علیه السلام و یارانش الگوی منتظرانند؛ از این رو باید در مبانی فکری و ویژگی‌های رفتاری و تربیتی آنان، درنگی شایسته کرد.

۴ فرهنگ بسیج

ضرورت درگیری و نبرد، بایستگی «فرهنگ بسیج» را به عنوان یک راهبرد اساسی، فراروی حکومت دینی قرار می‌دهد. تقویت این نهاد مقدس، زمینه‌سازی برای ظهور است.

باید از کسانی که در هشت سال دفاع مقدس، از نبرد نه‌راسیدند و سختی‌ها و مشکلات راه را به جان خریدند، تجلیل کرد و سینما و ادبیات دفاع مقدس را - نه به عنوان یک تفنن - که به عنوان یک ضرورت و هدف راهبردی نظام، پی گرفت. بسیج برخاسته از فرهنگ جبهه و شهادت و به گفته امام راحل «مدرسه عشق است». این رهیافت شاخصه و معیار اساسی در انتخاب مسئولان و کارگزاران است. ترویج این فرهنگ و نهادینه کردن آن، باعث می‌شود که هر کس تکلیف خود را با مهدی علیه السلام روشن کند تا در اوج

نبرد با اسبی که در خیمه مخفی کرده، فرار نکند و مهدی علیه السلام را هم چون حسین علیه السلام تنها نگذارد.

۵ معرفت امام

کسانی می‌توانند شعار خود را «یا لثارات الحسین» قرار دهند که به مقام «ابوت با امام» رسیده باشند تا بتوانند خون‌خواه او باشند؛ این ممکن نیست مگر با معرفت به حق امام علیه السلام. شعار «یا لثارات الحسین» فقط یک شعار برخاسته از عواطف و عصبیت‌های قومی و نژادی نیست، بلکه برخاسته از معرفت به «حق ولایت امام» است. این معرفت، معرفت به حسب و نسب و فضایل آنان نیست، بلکه عرفان به حق ولایت آنان است. «الست اولی بکم من انفسکم» و «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم»^۱ آنان از ما به ما آگاه‌تر و مهربان‌ترند و از همه کشش‌های نفسانی آزادند.

این شعار، شعار کسانی است که در تولد دوم^۲ خود، رسول و امام را به ابوت برگزیدند و با درک اضطرار به وحی و حجت، از همه تقلیدها، تلقین‌ها، هوس‌ها، غریزه‌ها و... جدا شدند و در این تولد

۱. احزاب (۳۳)، آیه ۶

۲. «لن یلج ملکوت السماء [السموات] من لا یولد مرتین»؛ (از کلمات حضرت مسیح علیه السلام؛ هرگز به ملکوت آسمان راه نمی‌یابد، مگر کسی که دو بار متولد شود.) شرح اصول کافی، ملا صدرا، ص ۵۶ و ۷۱؛ اسفار اربعه، ج ۸، ص ۳۰۷؛ مفاتیح الغیب، ص ۵۲۸ و ۳۳۹. تولد اول ما در ملک است و در این تولد پدر ما همان پدر شناسنامه‌ای ما است. با تولد دوم و در آمدن از شکم غریزه‌ها و تقلیدها می‌توان به ملکوت آسمان راه یافت و در این تولد رسول صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام پدر و مربی ما هستند.

دوباره، رسول و امام را به عنوان مربی خود انتخاب کردند که: «انا و علیّ ابوا هذه الامة».^۱

این درک از امام و این آگاهی از حق ولایت ایشان، ما را به مقام ابوت و در نتیجه خون‌خواهی آنان می‌رساند؛ آن هم نه پدر جسمانی من که پدر روحانی، مربی، هادی و پیشوای من؛ آن هم پدری که «مصباح»، «سفینه»^۲، «میزان»^۳، «وارث»^۴، «امین»^۵ و «اسوه»^۶ است و سبب سعادت و رستگاری^۷، امنیت، حفظ، نجات^۸، عزت، قبولی اعمال^۹، و... است.

این نگاه به امام و آگاهی از شئون و آثار ولایت آنان، ثمرات و بارهای زیادی با خود دارد و فاصله گرفتن از آن، ضررهای

۱. (پیامبر علیه السلام)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲. در حدیث است از رسول خدا علیه السلام که در سمت راست عرش الهی نوشته است: «ان الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة». سفينة البحار، ج ۱، ص ۲۵۷؛ ناسخ التواریخ، ص ۵۷ به نقل از فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص ۴۲۶.

۳. در زیارت امیرالمؤمنین آمده است: «السلام علی میزان الاعمال» بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۸۷. ائمه همه میزان اعمال هستند و ذکر امیرالمؤمنین علیه السلام از باب فرد اکمل است.

۴. اشاره به زیارت وارث که ائمه علیه السلام وارث فرهنگ وحی‌اند و از آن پاسداری کرده و آن را از دستبرد حوادث حفظ می‌کنند.

۵. اشاره به زیارت امین الله.

۶. «فلکم فی اسوة» تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۰۴ (چاپ اعلمی). «فلکم بسی اسوة» نامه امام حسین علیه السلام به اشراف کوفه. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲.

۷. «فاز الفائزون بولايتکم» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۸. «ولاية علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی». بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۶؛ معانی الاخبار، ص ۳۷۱.

۹. «بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

جبران ناپذیری با خود به همراه دارد. از گام‌های اساسی تمامی مراکز فرهنگی و آموزشی، تبیین دقیق این معنا از امامت - به عنوان رکن رکن اعتقادی انقلاب - است.

۶ عزت

«عزت»، اساس حرکت حسینی و مهدوی است و می‌تواند اساس سیاست راهبردی حکومت دینی در سطح روابط بین المللی باشد. حکومت دینی - به عنوان زمینه ساز دولت کریمه مهدوی - از هرگونه رابطه و مذاکره‌ای که شائبه ذلت داشته باشد، پرهیز می‌کند. منتظر «دولت عزیز» (تعزّ بها الاسلام و اهله)^۱، خود باید عزیز باشد. حسین علیه السلام هم می‌فرمود: «هیهات منّا الذلّة».

۷ تنش زدایی

حسین علیه السلام آغاز کننده جنگ نبود - گرچه دشمن در تیررس او بود - چرا که درگیری، پس از تبیین و اتمام حجت است؛ آن هم پس از آن که دشمن آغاز کننده باشد. منتظران مهدی نیز دو سیاست «عزت» و «تنش زدایی» را با هم دارند.

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۸ آمادگی

ضرورت درگیری و نبرد، بایستگی آمادگی و تجهیز را با خود دارد. باید از الان به فکر عده و عده بود و با تهیه نیرو و اسلحه، در اندیشه روز مصاف حق و باطل بود تا این بار وعده خداوند به دست منتظران تحقق یابد. آمادگی برای نبرد نهایی، از مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی حکومت‌های دینی است.

۹ جذب نیرو و تبلیغ

آن جا که حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام از جذب نیرو و تبلیغ دین دست نمی‌کشند؛ تکلیف منتظران و پیروان آنان مشخص است. جذب نیرو و تبلیغ در سطح داخلی و خارجی، از تکالیف عمده حکومت‌های دینی، به عنوان زمینه سازان دولت کریمه مهدوی است.

۱۰ اخلاق

فریاد «هل من ناصر» حسینی و مهدوی، همواره به گوش می‌رسد باید این فریاد را پاسخ گفت؛ اما چگونه؟ امیرالمؤمنین علیه السلام و امام صادق علیه السلام این چگونگی را پاسخ می‌دهند:

«اعینونی بورع واجتهاد و عفة و سداد»^۱؛

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا
یاری دهید.

«من سرّه ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل
بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر»^۱؛

کسی که دوست دارد، از یاران قائم باشد؛ باید منتظر باشد و
در همان حال، از گناهان اجتناب ورزد و خود را به اخلاق
نیکو بیاراید.

ترویج اخلاق و فضایل اخلاقی، به عنوان راهبردی اساسی در
حکومت دینی مطرح است. این سیاست کلان و راهبردی به همراه
راه کارهای اجرایی آن می تواند به عنوان یک هدف و معیاری برای
نقد تمامی ارگان های فرهنگی و آموزشی - تبلیغی باشد.

۱۱) عنایت ویژه به زنان

با توجه به نقش زنان در قیام مهدی علیه السلام و حضور آنان در دولت
کریمه، باید برای رشد، اعتلا و بالندگی این قشر مهم و مظلوم در
طول تاریخ، سرمایه گذاری جدی صورت گیرد. به نظر می رسد
تاکنون آن گونه که شایسته و در خور منزلت زنان است، کاری
بایسته برای آنان صورت نگرفته است. هنوز در سطح حوزه ها،
مراکز علمی - فرهنگی و مدیریت های میانی و کلان جامعه، نقش

۱. منتخب الاثر، ص ۴۹۷.

زن در حاشیه است. باید برای تربیت و تحصیل زنان، سرمایه‌گذاری‌های اساسی صورت گیرد. غفلت از این نگاه راهبردی، ضرر و زیان‌های جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی وارد ساخته است. از این رو تلاش دو چندان و عزمی جزم، جهت جبران این ضایعه، می‌طلبید.

